

مکرون می‌خواهد متفاوت باشد

امانوئل مکرون، رئیس‌جمهور فرانسه در ماه فوریه با اعلام آمادگی برای اعزام نیروهای فرانسوی به اوکراین، جنجال بزرگی به پا کرد. این اظهارنظر که نقطه عطفی در موضع‌گیری‌های فرانسه محسوب می‌شد، با استقبال ایالات متحده روبه‌رو شد. از نگاه آمریکا سرانجام، یک قدرت بزرگ اروپایی تصمیم گرفته بود که در احیای نظم بین‌المللی لیبرال پیشگام شود. این اقدام، امیدی تازه به اوکراین درگیر در بحران بخشید، چراکه اروپایی‌ها اکنون قصد داشتند بار حفظ نظم مبتنی بر قانون در منطقه خودشان را که تا آن زمان تنها بر دوش آمریکا بود، خود به دوش بکشند.

با این وجود، با همان سرعتی که مکرون از درخواست مذاکره از اوکراین به تهدید روسیه به جنگ مستقیم رسید، با همان سرعت نیز از صحنه ناپدید شد. او نتوانست لحن خود را ملایم‌تر کرد، بلکه در ارائه حمایت‌های نظامی و مالی قابل توجه به اوکراین، که متناسب با جایگاه فرانسه به عنوان یک قدرت اقتصادی و نظامی بر جسته غربی باشد نیز ناکام ماند.

آیا مکرون در کمک به اوکراین جدی است؟ آیا ایالات متحده می‌تواند به رهبری مکرون در اروپا برای نجات نظم بین‌المللی لیبرال اعتماد کند؟

سوال این است که چه چیزی این تغییر را در موضع‌گیری رئیس‌جمهور فرانسه سبب شد؟ اول، ارزیابی فرانسه از توازن نیروها در میدان نبرد و مسیر احتمالی جنگ تغییر کرد. تا اواخر سال ۲۰۲۲ و اوایل ۲۰۲۴، نهادهای اطلاعاتی فرانسه به این نتیجه رسیده بودند که اوکراین به‌طور نامیدکننده‌ای در حال باختن جنگ است. عملیات ضد حمله ناکام در تابستان ۲۰۲۲ برخی از بهترین واحدهای اوکراین را نابود کرده بود، روسیه نیروهای جدید را سریع‌تر از کی‌یف به جبهه اضافه می‌کرد و حمایت غرب نیز احتمالاً هرگز به اوج خود در ماه‌های اولیه جنگ باز نخواهد گشت. بنابراین، در صورت عدم وقوع یک تغییر چشمگیر، غرب ناچار به پذیرش یک پیروزی قاطع روسیه بود. دوم، مکرون انتخابات ماه ژوئن پارلمان اروپا را در پیش داشت. همه نظرسنجی‌ها از شکست سنگین او خبر می‌دادند، زیرا مکرون در هفت سال قدرت خود دستاورد چندانی نداشت. برنامه گسترده اصلاحات اقتصادی که او در سال ۲۰۱۷ با خود به ارمان آورده بود، با بحران جلیقه‌زدها در سال ۲۰۱۸ و سپس با همه‌گیری کووید-۱۹ با موانع جدی مواجه شده بود.

با وجود انتخاب مجدد در سال ۲۰۲۲، مکرون، رئیس‌جمهور تحت فشار، دیگر اکثریت پارلمانی پیشین خود را نداشت و بنابراین مجبور شد برای حکومت با مخالفان سازش کند. او به چیزی نیاز داشت تا در انتخابات اروپا بر روی آن کمپین کند. تا ۷ ژوئن، دو روز قبل از انتخابات، او همچنان به دخالت مستقیم فرانسه اشاره می‌کرد. اما در اواخر ژوئن، وعده داد که در آینده نزدیک نیروهای فرانسوی را به اوکراین اعزام نخواهد کرد.

سومین ملاحظه، آلمان بود. در ماه‌های اولیه جنگ، برلین موضعی به‌طور غیرمنتظره سخت علیه روسیه اتخاذ کرد و سر‌م‌مایه‌گذاری تاریخی در دفاع خود به نام زایتونوید را اعلام کرد. اما این اقدام در فرانسه باعث ایجاد نوعی نگرانی شد، و برخی از افسران نظامی از مکرون خواستند تا نگرانی‌های خود را درباره قدرت نظامی آلمان به‌صدا عظم اولاف شولتز منتقل کند. یکی از افسران این‌گونه بیان کرد: «اما نمی‌توانیم بگوییم که [ارتش قدرتمند آلمان] در قرن گذشته اتفاق خوب برای ما بود.» پاریس نمی‌توانست نسبت به احیای نظامی آلمان بی‌تفاوت باشد. در این زمینه، تهدید مکرون به مداخله در ماه فوریه با سه هدف طراحی شده بود. او امیدوار بود که تهدید واضح به مداخله مستقیم، محاسبات کرملین را تغییر دهد. در جبهه داخلی، مکرون فکر می‌کرد که تهدید او می‌تواند او را به عنوان یک رهبر مؤثر اتحادیه اروپا و غرب در برابر تجاوز روسیه معرفی کند و نوعی همبستگی ملی را پیش از انتخابات پارلمان اروپا ایجاد کند. در نهایت، او معتقد بود که اتخاذ موضعی قاطع می‌تواند انگیزه‌های آلمان برای احیای توان نظامی را خنثی کند.

با این حال، مکرون هرگز واقعاً قصد نداشت مستقیماً در اوکراین مداخله کند. او در دستیابی به تمام اهدافش نیز شکست خورد.

واقعیت این است که مکرون به‌خوبی می‌داند که واشنگتن چه چیزی را می‌خواهد بشنود و با بیان لفاظی‌های درست، حمایت آن‌ها را به دست می‌آورد. اما همان‌طور که همیشه بوده، فرانسه یک متحد مستقل با منافع خاص خود باقی می‌ماند.



جنایت در کرانه

هدف اسرائیل از حمله به کرانه باختری چیست؟

شبهه به یک کلیه دارد و در یک سوی آن اردن و در سوی دیگر سرزمین‌های اشغال‌شده از سوی اسرائیل قرار دارد.

در طول درگیری‌های منتهی به تأسیس اسرائیل در سال ۱۹۴۸، این منطقه بارها و بارها توسط شبه‌نظامیان یهودی مورد حمله قرار گرفت و جنایت‌های زیادی انجام شد که فلسطینی‌ها مجبور به ترک خانه‌های خود شوند. در جنگ ۱۹۴۸ میان کشورهای عربی و اسرائیل، مصر توانست کنترل نوار غزه را به دست گیرد و اردن نیز کرانه باختری را به تصرف خود درآورد.

در سال ۱۹۶۷، اسرائیل در جنگی دیگر با کشورهای عربی، تمامی خاک فلسطین از جمله کرانه باختری را اشغال کرد. اسرائیل همچنین به مرور اجازه داد ساخت‌وساز و شهرک‌های یهودی‌نشین در کرانه باختری گسترش پیدا کند.

سال ۱۹۹۳ گشایشی قابل توجه در روند صلح ایجاد شد. اسرائیل و سازمان آزادی‌بخش فلسطین مذاکراتی محرمانه را آغاز کردند که روند آن از سوی سیاستمداران نروژی از طریق اندیشکده‌ای در اسلو تسهیل می‌شد. محرمانه بودن گفت‌وگوها به مذاکره‌کنندگان اجازه داد که درباره موضوعات بسیار سخت بدون ترس از تبعات سیاسی ساعت‌ها بحث کنند. پس از اینکه پیشرفت‌هایی در مذاکرات اتفاق افتاد، اسرائیلی‌ها ترجیح دادند مذاکرات به‌صورت رسمی و علنی در اسلو دنبال شود. رئیس‌جمهور وقت آمریکا، بیل کلینتون، نقش قابل توجهی در این مذاکرات و گره‌گشایی از بن‌بست‌ها ایفا کرده بود اما با دعوت از اسحاق رابین و یاسر عرفات به کاخ سفید، میزبان مراسم امضای توافق اسلو شد و اعتبار زیادی برای خود کسب کرد. تصاویر رابین و عرفات (۱۹۹۳ در شهر واشنگتن) در حال دست دادن با زانبا بسیار گسترده‌ای در جهان آن روز داشت. این توافق به فلسطینی‌ها اجازه می‌داد که در نوار غزه و بخش‌هایی از کرانه باختری خودمختاری داشته باشند و این مناطق زیر نظر تشکیلات خودگردان فلسطین که پس از توافق تشکیل شد، اداره شود. اسرائیل موافقت کرد که نیروهای خود را از نوار غزه خارج کند و نیروهایی را که در کرانه باختری مستقر هستند، براساس توافق جایه‌جا کند. در ازای این اقدامات، سازمان

آزادی‌بخش فلسطین به‌طور رسمی «دولت اسرائیل و حق شهروندان آن برای زندگی در صلح» را به رسمیت شناخت. این اقدام، به نوعی پذیرش قطعنامه ۲۴۲ شورای امنیت از سوی فلسطینی‌ها به حساب می‌آمد. هر چند در ابتدا این توافق با استقبال قابل توجهی در جهان روبه‌رو شد اما واقعیت این است که ایرادات توافق اسلو زودتر از آنچه انتظار می‌رفت بر ملا شد. سازمان آزادی‌بخش فلسطین در محدود کردن حضور نظامی اسرائیل در غزه و کرانه باختری شکست خورده بود و هیچ برنامه زمانی مشخصی برای خروج نیروهای اسرائیل از غزه و کرانه باختری وجود نداشت. در زمان انعقاد توافق، تعداد شهرک‌نشینان اسرائیلی حدود ۲۸۰ هزار نفر تخمین زده می‌شدند اما پس از ۵ سال، این تعداد به ۳۵۰ هزار نفر رسید. در این توافقنامه همچنین مقرر شد که در یک دوره پنج‌ساله مسائل مهم مورد مناقشه از جمله مرزهای کشور فلسطین، سرنوشت آوارگان، غرامت، شهرک‌نشینان اسرائیلی، وضعیت شهر قدس و همچنین منابع آبی حل و فصل شود؛ مسئله‌ای که هرگز به سرانجام نرسید. توافق اسلو ۲ بر پایه‌های توافق اسلو ۱ - که هرچند به‌طور کامل اجرا نشد اما وضعیت را کمی برای فلسطینی‌ها بهتر کرد - بنا شد. در سپتامبر ۱۹۹۵، رابین و عرفات برای امضای توافق اسلو ۲ به واشنگتن، پایتخت ایالات متحده رفتند. توافق اسلو ۲ کرانه باختری را به سه بخش A، B و C تقسیم می‌کرد. برای فلسطینی‌ها این امید وجود داشت که هرچه زودتر در



محمدحسین لطف‌اللهی
خبرنگار گروه بین‌الملل

هم‌زمان با درگیری‌ها در جنوب لبنان و جنگ در غزه، نیروهای نظامی اسرائیل به دو شهر جنین و طولکرم در کرانه باختری حمله کردند تا ضمن تشدید تنش‌ها در منطقه و گسترده‌تر کردن دامنه جنگ، امیدها به تحقق آتش‌بس و توافق سیاسی رابین از پیش کمرنگ کنند.

به گفته مقام‌های فلسطینی و اسرائیلی صدها نفر از نیروهای نظامی اسرائیل روز چهارشنبه ۲۸ اگوست با پشتیبانی پهپادها و خودروهای زرهی به کرانه باختری حمله کردند. در این حمله دست کم ۱۰ فلسطینی کشته و ده نفر زخمی شدند.

اسرائیل طی ماه‌های گذشته نیز بارها و بارها کرانه باختری، منطقه‌ای را که ۲ میلیون فلسطینی در آن زندگی می‌کنند مورد حمله قرار داده بود. براساس گزارش سازمان ملل متحد، از ۷ اکتبر ۲۰۲۲ که حماس عملیات طوفان الاقصی را آغاز کرد بیش از ۶۰۰ فلسطینی در کرانه باختری در حملات شهرک‌نشینان یهودی و نیروهای اسرائیل کشته و هزاران نفر بازداشت شدند. اسرائیل مدعی است که این حمله برای مقابله با گروه‌های شبه‌نظامی صورت می‌گیرد اما بسیاری از تحلیلگران معتقدند عامل اصلی افزایش استقبال جوانان فلسطینی از ایده مقاومت مسلحانه در برابر اسرائیل با افزایش خشونت‌های نظامیان اسرائیلی و اقدامات شهرک‌نشینان در مناطق اشغالی نسبت مستقیم دارد. کمال ابو الرّب، فرماندار فلسطینی جنین درباره این حمله می‌گوید: «این حمله تفاوت‌هایی از نظر ابعاد و خشونت با حملات قبلی داشت. صدای شلیک گلوله و انفجار شهر را پر کرده بود و مقام‌های اسرائیلی اطلاع داده بودند که عملیات آن‌ها در جریان است و بخش‌هایی از شهر از جمله بیمارستان جنین و جاده‌های ورودی و خروجی شهر در محاصره قرار دارد.»

نشریه لبنتانی العربی جدید نوشته است: «منابع، اوضاع شرق جنین را دشوار خواندند. محاصره، تخریب خیابان‌ها و زیرساخت و محاصره ساکنان ادامه دارد و نگرانی‌ها نسبت به وخامت وضعیت انسانی وجود دارد به‌ویژه اینکه ساکنان آماده بورش گسترده ارتش رژیم اسرائیل به کرانه باختری نبودند.»

در این راستا هلال احمر فلسطین اعلام کرد، کادرهای آن با مشکلات بزرگی برای برآورده کردن خواسته‌های شهروندان محاصره‌شده در شهر جنین و اردوگاه آن به دلیل ممانعت نیروهای رژیم صهیونیستی از ورود آمبولانس‌ها مواجه هستند. هلال احمر فلسطین تأکید کرد کادرهای آن برای انتقال مجروحان و شهدا و برآورده کردن نیازهای شهروندان از جمله نیاز به دارو، شیر خشک برای کودکان یا مواد غذایی تلاش می‌کنند. این سازمان فلسطینی تأکید کرد کادرهای آن با چالش‌ها و خطرات زیادی مواجه هستند چرا که در معرض حملات ارتش رژیم اسرائیل قرار می‌گیرند. تا زمان آماده‌سازی گزارش (عصر شنبه) بورش نیروهای اسرائیلی به جنین همچنان ادامه داشته و آن‌ها همچنان در این شهر در کرانه باختری حضور دارند.

حمله اخیر اسرائیل، از سال گذشته به این سو از نظر ابعاد بی‌سابقه بوده است. در جولای ۲۰۲۳، حدود ۱۰۰۰ سرباز اسرائیلی حمله‌ای ۴۸ ساعته به شهر جنین را آغاز کردند که به کشته شدن ۱۲ فلسطینی منجر شد. در ماه دسامبر، عملیاتی دیگر با مشارکت تعداد کمتری سرباز انجام شد که طی آن نیز نیروهای نظامی اسرائیل جان ۱۲ فلسطینی را گرفتند. ساکنان کرانه باختری می‌گویند از ۷ اکتبر ۲۰۲۲ به این سو، نیروهای نظامی اسرائیل به‌طور روزانه شهرها و روستاها را در کرانه باختری هدف حمله قرار می‌دهند. به گفته آن‌ها این حملات از چند ساعت تا چند روز به طول می‌انجامد و علاوه بر اینکه زندگی ساکنان را به‌طور جدی مختل می‌کند، به کشته‌و زخمی شدن غیرنظامیان به‌ویژه زنان و کودکان نیز منجر می‌شوند. و سیاست الجزیره، حمله اخیر به شهرهای جنین و طولکرم را «بزرگ‌ترین حمله از زمان انتفاضه دوم» توصیف کرده است. دفتر حقوق بشر سازمان ملل (OHCHR) نیروهای امنیتی اسرائیل را به دلیل «واکنش نظامی فزاینده» در کرانه غربی اشغالی محکوم کرده است. دفتر حقوق بشر سازمان ملل می‌گوید که بورش‌های اخیر ارتش اسرائیل در کرانه غربی «به گونه‌ای انجام می‌شوند که قوانین بین‌المللی را نقض می‌کنند و خطر تشدید بیشتر یک وضعیت انفجاری را به همراه دارند». در این بیانیه آمده است: «خشونت بین ارتش اسرائیل و فلسطینیان مسلح در کرانه باختری به‌عنوان یک درگیری مسلحانه تحت قوانین بشر دوستانه بین‌المللی محسوب نمی‌شود». در این بیانیه همچنین آمده است: «استفاده از زور در کرانه باختری باید با معیارهای حقوق بشری سازگار باشد.» در ادامه نگاهی خواهیم داشت به جغرافیا، وضعیت سیاسی، شرایط زندگی فلسطینی‌ها و درگیری‌های نظامی در کرانه باختری.

▼ کرانه باختری کجاست؟

نزدیک به ۳ میلیون فلسطینی و ۵۰۰ هزار شهرک‌نشین در منطقه‌ای به نام کرانه باختری زندگی می‌کنند که روی نقشه ظاهری



▲ عکس: AFP

کرانه باختری و نوار غزه دولت فلسطین تشکیل شود. این توافق هم در فلسطین و هم در اسرائیل مخالفانی جدی داشت. چند ماه بعد از امضای اسلو ۲ اسحاق رابین، نخست‌وزیر وقت اسرائیل توسط یک چهره افراطی یهودی ترور شد و در فلسطین نیز حماس ضمن اعلام مخالفت با توافق، حملات علیه اسرائیل را افزایش داد. با افزایش تنش‌ها و به تبع آن، کم‌طرفدار شدن صلح، بنیامین نتانیاهو در سال ۱۹۹۶ به نخست‌وزیری رسید. او مخالف توافق اسلو بود و ادعا می‌کرد این توافق تنها به افزایش حملات فلسطینی‌ها به اسرائیل منجر شده است. او به یاسر عرفات، رئیس تشکیلات خودگردان فلسطین اظهار بی‌اعتمادی می‌کرد و در مقابل فلسطینی‌ها هم هیچ اعتمادی به او نداشتند. مورخان می‌گویند کابینه اول نتانیاهو به اندازه کابینه امروز افراطی نبود اما تصمیماتی که کابینه اول او اتخاذ کرد، باعث شد مذاکرات در آینده به بن‌بست برسد. به‌رغم اینکه طی توافق‌های اسلو مقرر شد کرانه باختری و نوار غزه نوعی خودمختاری زیر نظر تشکیلات خودگردان فلسطین داشته باشند اما هیئت فلسطینی در محدود کردن حضور نظامی اسرائیل در غزه و کرانه باختری شکست خورده بود و هیچ برنامه زمانی مشخصی برای خروج نیروهای اسرائیل از غزه و کرانه باختری وجود نداشت.

پس از این توافق نیز حضور شهرک‌نشینان اسرائیلی در کرانه باختری ادامه پیدا کرد. بسیاری از کشورهای جهان حتی برخی از کشورهای که سابقه‌ای طولانی در دوستی با اسرائیل دارند، حضور شهرک‌نشینان در کرانه باختری را امری برخلاف حقوق بین‌الملل می‌دانند. سیستم دوگانه‌ای هم که اسرائیلی‌ها در کرانه باختری پیاده کرده‌اند باعث شده که شهرک‌نشینان از حق رای و حقوق شهروندی برخوردار باشند در حالی که فلسطینیان زیر نظر حکومت نظامی اسرائیل روزگار می‌گذرانند و این تصمیمات دولت اسرائیل است که زندگی روزمره آن‌ها را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

▼ چه کسی کرانه باختری را کنترل می‌کند؟

هر چند اسرائیلی‌ها مدعی هستند که نوعی از خودمختاری را در کرانه باختری به تشکیلات خودگردان فلسطین داده‌اند اما در واقعیت و در عمل، این نظامیان اسرائیل هستند که کنترل کاملی بر این منطقه دارند. نظامیان اسرائیل می‌توانند بگویند چه کسانی حق دارند وارد کرانه باختری شوند و چه کسانی حق دارند از آن خارج شوند. سیستم قضایی اسرائیل نیز خود را محق و دارای صلاحیت می‌داند که هر فلسطینی‌ای که متهم تشخیص داد محاکمه کند. فلسطینی‌ها حتی در زمینه برق و آب هم به شدت وابسته به اسرائیل هستند و مجبورند این نیازهای اساسی خود را از طریق پرداخت پول به اسرائیل رفع کنند. بخش‌هایی که زیر نظر تشکیلات خودگردان فلسطین قرار دارد به جمع‌آوری زباله، آموزش، بیمارستان‌ها و مدارس محدود می‌شود. همچنین تشکیلات خودگردان فلسطین نیروهای امنیتی خود را دارد که اختیاراتشان محدود است و مجبور به همکاری با اسرائیل در بسیاری از زمینه‌ها هستند.

فلسطینی‌ها می‌گویند اسرائیل حکمرانی در کرانه باختری را در اختیار دارد و فقط برخی امور خدماتی و محدود را به تشکیلات خودگردان واگذار کرده است. در گذشته از نگاه برخی از فلسطینی‌ها پذیرش این اختیارات محدود، به‌عنوان مقدمه‌ای برای تشکیل کشور مستقل قابل پذیرش بود اما امروز نارضایتی‌ها میان مردم فلسطینی درباره رویکرد اسرائیل در کرانه باختری و نوار غزه به اوج رسیده است.

▼ چرا اسرائیل به کرانه باختری حمله می‌کند؟

اسرائیل مدعی است که «گروه‌های شبه‌نظامی فلسطینی» در کرانه باختری فعال هستند و برای سرکوب این گروه‌ها به این منطقه حمله می‌کند. دهه‌هاست که مقاومت علیه اشغالگری اسرائیل در کرانه باختری به‌ویژه شهرهایی مثل جنین زنده است و هدف اصلی اسرائیل را باید سرکوب هر نوع مقاومت در برابر اشغالگری دانست. از سال ۲۰۲۲ که بنیامین نتانیاهو، نخست‌وزیر اسرائیل به قدرت بازگشت، حملات به کرانه باختری شدت گرفت و این حملات مرگبارتر از قبل شدند. براساس گزارش روزنامه واشنگتن‌پست، تحلیلگران می‌گویند حملات اسرائیل نقش بسیار مؤثری در گرایش جوانان فلسطینی به پیوستن به گروه‌های مقاومت و انتخاب مبارزه مسلحانه به‌عنوان روش اصلی مبارزه با اسرائیل داشت.

